

شناسایی چالش‌های سیاست هدایت تحصیلی دانش‌آموزان

الهام مرادی نژاد*

علی اکبر تاج‌مزیانی**

* دانشجوی دکتری، رفاه اجتماعی، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران،

ایران (نویسنده مسئول). Elmong2013@gmail.com

** دانشیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

tajmazinani@atu.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱/۳۰

تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۳/۹/۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۳/۸/۲۷

چکیده

هدایت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اعمال‌شده در آموزش و پرورش ایران است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌های این سیاست می‌باشد. پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون در شهر خرم‌آباد انجام شده و برای گردآوری داده‌ها با ۲۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های اصلی هدایت تحصیلی در سه بُعد کلی قابل دسته‌بندی‌اند. در بُعد درونی (سازمانی)، این سیاست با پیشرفت صوری و نبود نظام جامع دانش و اطلاع‌رسانی مؤثر مواجه است. در بُعد ساختاری - نهادی، عواملی چون ناکارآمدی بوروکراسی، گرایش روزافزون به مدارس خصوصی به دلیل سیاست متوازن‌سازی رشته‌ها، رویکرد نخبه‌گرایانه به علوم تجربی و تقلیل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به تلاش فردی از چالش‌های کلیدی هستند. همچنین نفوذ خانواده، روابط، رانت‌های ارتباطی و مداخله نهاد بازار نیز الگویی ناعادلانه در هدایت تحصیلی ایجاد کرده‌اند. در بُعد بیرونی (محیطی - زمینه‌ای)، منزلت اجتماعی رشته‌ها و تصور جامعه نسبت به آینده شغلی آن‌ها نقش مهمی در تصمیم‌گیری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. نتایج نشان می‌دهد هدایت تحصیلی نه تنها به هدف اصلی خود یعنی هم‌راستاسازی استعداد و علاقه نرسیده، بلکه تحت تأثیر نهادهای بیرونی و ضعف درونی، به ابزاری برای توزیع کمی دانش‌آموزان در رشته‌های تحصیلی تبدیل شده است. این فرایند با نادیده انگاشتن نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در مسیر تحصیلی دانش‌آموزان و تأکید بر متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی، به بازتولید نابرابری آموزشی، تشدید آموزش طبقاتی و تقویت گرایش به رشته‌های دارای منزلت اجتماعی بالا منجر شده است.

کلید واژه: نظام آموزشی، هدایت تحصیلی، تحلیل مضمون، آموزش طبقاتی.

Identifying the Challenges of Student Academic Guidance Policy

*Elham Moradinejad, PhD Student, Social Welfare, Department of Cooperatives and Social Welfare, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

E-mail: Elmong2013@gmail.com

** Ali Akbbar Taj Mazinani, Associate Professor, Department of Cooperatives and Social Welfare, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail: tajmazinani@atu.ac.ir

Abstract

Student academic guidance is one of the most significant policies implemented within Iran's education system. The present study aims to identify the key challenges of this policy. Employing a qualitative approach and thematic analysis method, the research was conducted in Khorramabad city through semi-structured interviews with 20 male and female students in the lower secondary level. Findings indicate that the main challenges of academic guidance fall into three overarching dimensions. In the internal (organizational) dimension, the policy suffers from superficial progress and a lack of a comprehensive knowledge system and effective information dissemination. In the structural–institutional dimension, critical challenges include bureaucratic inefficiency, increasing inclination toward private schools due to the policy of balancing enrollment across fields, a meritocratic bias toward experimental sciences, and the reduction of economic and social inequalities to individual effort. Furthermore, the influence of families, social connections, patronage, and the intervention of market forces have shaped an unequal pattern in the academic guidance process. In the external (contextual–environmental) dimension, the social prestige of academic disciplines and public perceptions of future job prospects play a significant role in students' decision-making. The results show that academic guidance has not achieved its primary goal of aligning students' interests with their talents. Instead, influenced by external institutions and internal weaknesses, it has turned into a mechanism for the quantitative distribution of students across academic tracks. This process, by overlooking structural inequalities and focusing on statistical balance across disciplines, has led to the reproduction of educational inequality, intensified class-based schooling, and strengthened students' tendency to pursue high-prestige academic fields.

Keywords: Educational system, Academic guidance, Thematic analysis, Class-based education.

سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به منزله جدی‌ترین و مؤثرترین انواع سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، رویه‌ها و اقداماتی است که نهاد دولت به منظور توانمندسازی، توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و رفع معضلات موجود در عرصه نظام تعلیم و تربیت تدوین و اجرا می‌کند (حیدری، ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سیاستی نظام آموزشی، هدایت تحصیلی است. مقصود از هدایت تحصیلی در دوره متوسطه، هدایت دانش‌آموزان به مناسب‌ترین شاخه یا رشته تحصیلی براساس استعداد و علاقه آن‌ها به تناسب امکانات و نیازهای کشور است؛ فرایندی که به واسطه آن مربی و مشاور با دانش‌آموز تعامل برقرار می‌کند تا بتواند در انتخاب رشته مورد نظر به بهترین وجه به دانش‌آموز کمک کند (دهامی و شارما^۱، ۲۰۲۰). طبق اهداف هدایت تحصیلی، شناسایی خصوصیات، استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان و راهنمایی آموزشی آنان به عنوان یک واقعیت اجباری در مدارس، منجر به کارآمدی آموزشی و در نهایت توسعه کشور خواهد شد (وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۴؛ سوباسینگه^۳، ۲۰۱۶). همچنین راهنمایی تحصیلی به عنوان مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و خدمات به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین تصمیمات را بگیرند تا علاوه بر ارتقای مهارت‌های فردی، اجتماعی و اصلاحات لازم را در رابطه با مدارس، برنامه درسی و آینده تحصیلی خود فراگیرند (آدو^۴، ۲۰۲۲؛ متمری^۵، ۲۰۱۷). بنابراین؛ ایده اصلی هدایت تحصیلی این است که در دنیای پویا و پیچیده امروز، کسب دانش به همراه تجربه به افراد این امکان را می‌دهد که از عدم قطعیت‌ها بهتر استفاده کنند. از این نظر هدایت تحصیلی یک استراتژی سیاسی است که هم به نیازهای اقتصاد و آرزوی شهروندان برای رفاه پاسخ می‌دهد و هم به عنوان ابزاری کلیدی می‌تواند به افزایش خودآگاهی فردی در حین پیگیری اهداف اجتماعی جمعی (رشد اقتصادی، کاهش نرخ ترک تحصیل، شمول اجتماعی) منجر شود (رومیتو^۶، ۲۰۱۹). علاوه بر این، اهمیت هدایت تحصیلی از آنجایی است که تصور می‌شود دانش‌آموزان با این انتخاب، آینده شغلی و حتی کیفیت زندگی خود را تضمین می‌کنند در حالی که انتخاب نادرست رشته تحصیلی علاوه بر پیامدهایی مانند افت تحصیلی، عدم علاقه به ادامه تحصیل و گاهاً ترک تحصیل می‌تواند تبعات اقتصادی و روانی نیز به همراه داشته باشد (عاشوری و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش‌های داخلی و خارجی مختلفی در ارتباط با هدایت تحصیلی انجام شده است که بر اهمیت این مسئله بر آینده تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش زندوانیان نائینی (۱۳۸۵) اشاره کرد که عنوان می‌کند دانش‌آموزان براساس استعداد، علاقه و پیشرفت تحصیلی و فرایند صحیح هدایت تحصیلی به رشته‌های مختلف هدایت نشده‌اند، بلکه دانش‌آموزان قوی (از نظر نمرات درسی) به رشته ریاضی- فیزیک، دانش‌آموزان متوسط به رشته علوم تجربی و دانش‌آموزان ضعیف به ناچار به رشته علوم انسانی سوق داده می‌شوند. بنا به مطالعه کوثری (۱۳۹۵)، عملکرد دانش‌آموزان در انتخاب رشته نامناسب، ضعیف و پایین‌تر از حد مورد انتظار است. مطالعه منبری و همکاران (۱۴۰۱) بر لزوم آشنایی با ظرفیت رشته‌های تحصیلی از جمله فنی و حرفه‌ای برای دانش‌آموزان تأکید دارند. مطالعه اسلان^۷ (۲۰۱۱) تأکید می‌کند انتخاب رشته تحصیلی زمانی به واقعیت نزدیک‌تر است که مطابق با توانمندی، استعداد، مهارت، شایستگی و استحقاق افراد باشد.

از دیدگاه کاروالهوه^۸ و همکاران (۲۰۱۴)، کارکرد سیاست هدایت تحصیلی، راهنمایی دانش‌آموزان به سمت رشته‌های تحصیلی متناسب با علاقه آن‌ها، براساس استعدادها و توانمندی‌هایشان و نیازهای جامعه و بازار کار است. به همین دلیل، هدایت تحصیلی؛ از لحاظ آموزشی، اجتماعی و اقتصادی بر روی دانش‌آموزان، خانواده‌ها، بازار کار و جامعه تأثیرگذار است. مطالعه تولانویچ^۹ (۲۰۲۱) و شهسوری

1 Dhami & Sharma

2 Wang

3 Subasinghe

4 Adu

5 Mtemeri

6 Romito

7 Aslan

8 Carvalho

9 Tolanovich

و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد؛ برگزاری آزمون‌های استعدادسنجی در مدرسه به منظور هدایت تحصیلی دانش‌آموزان ضروری است. گوش^{۱۰} (۲۰۲۳) معتقد است نادیده گرفتن استعداد و مهارت دانش‌آموز منجر به هدر رفت منابع انسانی و سرمایه‌های ملی می‌شود، همچنین تنها با اجرای یک راهنمایی آموزشی مناسب می‌توان از چنین ائتلاف و رکودی جلوگیری کرد. انتخاب نادرست دانش‌آموزان شغل و آینده آن‌ها را نابود می‌کند بنابراین باید با راهنمایی‌های آموزشی مناسب در انتخاب و تصمیم‌گیری درست یاری شوند. اگرچه در پژوهش‌های اشاره شده و در رویکردهای مختلف بر تأثیر استعداد و مهارت و همچنین لزوم شناسایی آن در هدایت تحصیلی تأکید شده است اما برخی دیدگاه‌های نظری، شناسایی استعداد و مهارت را برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان کافی نمی‌دانند.

طبق دیدگاه پاریک^{۱۱} (۲۰۲۱)، دو نوع راهنمایی تحصیلی وجود دارد: یکی معنای قدیمی یا سنتی است که بر هدایت و راهنمایی فرد تأکید داشت و دیگری معنای فعلی آن است که توسط افراد مختلف از جمله مدیران، سیاستمداران، فیلسوفان و مربیان در طول تاریخ به طور متفاوتی درک شده و معنای سنتی را نیز دربرمی‌گیرد. تعریف معاصر هدایت تحصیلی با تمرکز آن بر مشکلات اقتصادی و جایگاه اشتغال در زندگی آینده دانش‌آموزان گره خورده است. این روند در تمام رشته‌های تحصیلی حاکم است بنابراین تعریف کنونی اصطلاح هدایت تحصیلی خود را به هیچ حوزه‌ای محدود نمی‌کند. در نتیجه جامعه، اقتصاد و آموزش همگی بر آن تأثیر می‌گذارند. در همین زمینه، پیر بوردیو (۱۳۹۳/۱۹۹۴) میدان آموزش را دارای دو کارکرد تخصصی و اجتماعی می‌داند. کارکرد تخصصی میدان آموزش در جامعه مدرن، آموزش، ارتقای سطح دانش و جامعه‌پذیری است. کارکرد اجتماعی آن تخصیص حق ریاست به کسانی که بنا به موقعیت اجتماعی دارای کارایی اجتماعی‌اند را شامل می‌شود. کارکرد اجتماعی به دنبال آن است که از طریق اتصال‌های منفی میان استعداد تحصیلی و میراث فرهنگی یک اشرافیت حاکم را تدارک ببیند که اقتدار و مشروعیت آنان به وسیله عنوان تحصیلی تضمین شده است. بنابراین، نظام‌های آموزشی به بازتولید نحوه توزیع سرمایه فرهنگی و از طریق آن به بازتولید ساختار فضای اجتماعی و به بیان دیگر، به بازتولید ترکیب طبقات اجتماعی کمک می‌کنند.

از دیدگاه بوردیو، نظام آموزشی با نوعی خشونت روان‌شناختی بی‌حدوحصر، قضاوت‌های کلی، حکم غیرقابل نقضی را تحمیل می‌کند که تمامی دانش‌آموزان را در یک سلسله مراتب با معیار واحد رده‌بندی می‌کند - معیاری که امروزه تحت سلطه رشته تجربی/ریاضی است - کسانی که از این قافله عقب می‌مانند، با معیار هوش، معیاری که اعتبار آن به صورت جمعی به رسمیت شناخته شده و به اثبات رسیده است محکوم می‌شوند، برای چنین طردشدگانی به منظور کسب هویت موقت، چاره‌ای نمی‌ماند جز وداعی ناگهانی با نظم تحصیلی و نظم اجتماعی (بوردیو، ۱۳۹۳/۱۹۹۴). باولز و گینتیس^{۱۲} (۲۰۰۵) در کتاب "شانس‌های برابر"، بیان کرده‌اند که خانواده‌های دارای موقعیت فرودستانه، بخت کمتری برای کسب امنیت اقتصادی و تصاحب موقعیت برتر خود و فرزندان‌شان دارند. طبق این رویکرد، فرصت‌های برابر انتخاب در آموزش و پیشرفت شغلی، باید شرایطی را فراهم سازد که فرزند هر خانواده‌ای فارغ از موقعیت اقتصادی شانس عادلانه‌ای برای موفقیت اقتصادی داشته باشد. اما معمولاً ارتباط میان موفقیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین و موفقیت فرزندان وجود دارد. یکی از مهم‌ترین بسترهایی که می‌تواند این نابرابری را بازتولید یا کاهش دهد، سیاست هدایت تحصیلی است که در ایران از زمان آغاز برنامه مشاوره و راهنمایی در مدارس از سال ۱۳۴۳ تا کنون دستخوش تحولات بسیاری شده است. در آخرین تحولات براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، ساختار نظام آموزشی از «۳-۴-۵» به «۳-۳-۶» تغییر یافت. مطابق با ساختار جدید نظام آموزشی، دانش‌آموزان باید در پایان دوره آموزش عمومی (پایه نهم) شاخه و رشته تحصیلی خود را تعیین کنند. این بررسی‌ها با مدیریت مشاور تحصیلی انجام می‌شود و شامل چندین آزمون از جمله آزمون‌های استعداد و رغبت، نظرخواهی از دانش‌آموز، والدین دانش‌آموز، دبیران و مطالعه شاخص‌های عملکرد تحصیلی در سه سال دوره متوسطه اول است.

10 Ghosh

11 Pareek

12 Bowles & Gintis

اهداف کلی انتخاب رشته در دوره متوسطه شامل: الف) فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم برای تعمیق باورهای دینی و رشد فضائل اخلاقی دانش‌آموزان، ب) ارتقای کیفیت آموزش‌های دوره متوسطه و توسعه کمی این آموزش‌ها به تناسب نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به مقتضیات جغرافیایی مناطق، ج) رعایت تناسب بین محتوای آموزشی و نیازها و مقتضیات جنسی و سنی دانش‌آموزان براساس اصول است (عاشوری و همکاران، ۱۴۰۱). ملاک‌های هدایت تحصیلی عبارتند از: الف) نظر دانش‌آموز (۱۰ امتیاز)، ب) نظر خواهی والدین (۵ امتیاز)، ج) نظر خواهی از دبیران (۱۰ امتیاز)، د) نظر مشاور (۱۰ امتیاز)، ه) عملکرد تحصیلی (۳۵ امتیاز) و ز) آزمون‌های مشاوره‌ای (۵ آزمون، هر یک ۶ امتیاز) هستند (آیین نامه هدایت تحصیلی، ۱۳۹۴). مسئولان آموزش و پرورش انتظار دارند با اجرای برنامه هدایت تحصیلی و انتقال انتخاب رشته در نظام جدید آموزشی به پایه نهم، در دوره دوم متوسطه توزیع دانش‌آموزان در رشته و شاخه‌های تحصیلی، متوازن باشد. بنابر ماده ۱۲ قانون وظایف شورای عالی آموزش و پرورش، این شورا به تعیین نسبت دانش‌آموزان در رشته‌ها و شاخه‌ها موظف شده است (نویدی، ۱۳۹۷). دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری‌ها، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی سیاست‌گذاران است. اما شواهد پژوهشی نشان می‌دهد سیاست هدایت تحصیلی در دستیابی به اهداف خود با چالش‌های مختلفی مواجه است که ضرورت شناسایی و بازنگری دارند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش احمدی (۱۳۹۴) اشاره کرد که عنوان می‌کند: اصل هدایت تحصیلی شاید ایده‌ای مترقی برای برون‌رفت از مشکلات، خصوصاً تورم درخواست‌ها برای ورود به رشته‌های خاص بود، اما در عمل به دلیل اجرای بد آن، یک شکست برای نظام آموزشی محسوب می‌شود. خادم شیرازی (۱۳۹۷) تأکید می‌ورزد: هدایت تحصیلی این روزها گریبان میلیون‌ها دانش‌آموز پایه نهم را گرفته تا از طریق آن بتوانند وارد پایه دهم شوند و آینده تحصیلی، شغلی خود را رقم بزنند. برای اجرای طرح هدایت تحصیلی، هزینه‌های زیادی به وزارت آموزش و پرورش تحمیل می‌شود. هرساله هزینه‌های بسیار زیادی به عنوان حقوق و دستمزد به مجریان طرح هدایت تحصیلی (مشاوران، معلمان راهنما و کارکنان اداری) پرداخت می‌شود؛ علاوه بر این، هزینه‌های تربیت مشاوران و سایر کارکنان مجری طرح هدایت تحصیلی بسیار زیاد است، اما توفیقات به دست آمده، اندک‌اند (نویدی، ۱۳۹۷)؛ نیز بیان می‌کند؛ مسئله هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، از سال‌های قبل مورد بحث بوده و دارای مشکلاتی بوده است اما با توجه به افسردگی، مشروطی دانش‌آموزان و تغییر رشته آن‌ها این مسئله بیشتر رشد یافته و شکل بگرنج‌تری به خود گرفته است تا جایی که با اعتراضات گسترده دانش‌آموزان و والدین همراه بوده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اجرای نامطلوب هدایت تحصیلی تبعات زیادی در ابعاد اقتصادی-اجتماعی (ورود به مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی به سبب نبود تطابق با نیاز بازار کار- هدر رفت منابع مالی و انسانی کشور (نظری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱)، عاطفی- روانی (نارضایتی و ناراحتی‌های روحی و روانی دانش‌آموزان، توجه نکردن به استعداد دانش‌آموزان)، آموزشی- فرهنگی (کاهش بازدهی آموزشی- تغییر رشته در متوسطه و دانشگاه - افت تحصیلی دانش‌آموزان و افزایش ترک تحصیل (رضوی‌زاده و ورشوی، ۱۴۰۱؛ احمدی، ۱۳۹۴) را در پی دارند.

آنچه مشهود است، با گذشت بیش از نیم قرن از اجرا شدن سیاست هدایت تحصیلی، چالش‌های این برنامه در نظام آموزشی به تبع اهمیت و پیامدهایی که دارد نیازمند مطالعه و بررسی است. اگرچه در حوزه شناسایی چالش‌های هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که هر کدام پهنه علمی این حوزه را نمایان و بر اهمیت توجه و بازنگری به این برنامه افزوده‌اند، با این وجود، غالب تحقیقات از منظر و دیدگاه مشاوران و مطلعین کلیدی به برنامه هدایت تحصیلی پرداخته‌اند (رضایی مدنی و همکاران، ۱۳۹۸؛ وجدانی همت و همکاران، ۱۳۹۹؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سالاری و همکاران، ۱۴۰۱؛ منبری و همکاران، ۱۴۰۱؛ ناصری و همکاران، ۱۴۰۱؛ و شهسواری و همکاران، ۱۴۰۲) و کم‌تر به هدایت تحصیلی از منظر ذی‌نفعان (دانش‌آموزان) توجه شده است. لذا تحقیق حاضر چالش‌های هدایت تحصیلی را از منظر دانش‌آموزان به عنوان ذی‌نفعان این امر را مورد توجه قرار داده است. خرم‌آباد انجام نشده است. با توجه به شرایط خاص این منطقه، ضرورت انجام پژوهش در زمینه هدایت تحصیلی در شهر خرم‌آباد به‌ویژه محسوس است. خرم‌آباد به‌عنوان مرکز استان لرستان، علیرغم برخورداری از موقعیت طبیعی و محیطی مناسب، در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و آموزشی با چالش‌های توسعه‌نیافتگی و فقدان عدالت منطقه‌ای مواجه است؛ با این حال، سیاست هدایت تحصیلی در این شهر تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های هدایت تحصیلی از منظر

دانش‌آموزان، به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی این فرایند، انجام می‌شود. بر این اساس، این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش کلیدی است که دانش‌آموزان، چالش‌های اساسی موجود در هدایت تحصیلی را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ و این چالش‌ها از دیدگاه آنان چه ابعادی دارند؟

بدیهی است تمرکز این پژوهش بر دیدگاه دانش‌آموزان می‌تواند در شناسایی مسائل اساسی این حوزه نقش مؤثری ایفا کرده و از طریق ارائه راهکارهایی کاربردی، در بهبود اجرای سیاست هدایت تحصیلی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه آموزش و عدالت اجتماعی مؤثر واقع شود.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، با روش کیفی و با تکنیک تحلیل مضمون انجام شده است و از نوع هدف کاربردی می‌باشد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سوالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (براون و کلارک^{۱۳}، ۲۰۰۶). پژوهش حاضر، بر مبنای روش آتراید-استرلینگ^{۱۴} (۲۰۰۱) انجام شده است. این روش براساس یک رویه مشخص و در سه سطح به شرح زیر نظام‌مند می‌شود و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌کند: مضامین فراگیر شامل مضامین عالی اند که دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل است و در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد. مضامین سازمان‌دهنده که دربرگیرنده مضامین حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه است و در نهایت مضامین پایه که شامل کدها و نکات کلیدی موجود در متن است.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، شامل ۲۰ دانش‌آموز دختر و پسر متوسطه اول می‌باشند که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در شهر خرم‌آباد درگیر فرایند هدایت تحصیلی بوده‌اند. روش گردآوری اطلاعات به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌باشد. بدین صورت که چند سوال محوری به عنوان مبنای مصاحبه مدنظر قرار گرفت، ضمن آن که برخی از سوالات به صورت پیش‌بینی نشده و براساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به شیوه اکتشافی پرسیده شده است. روش نمونه‌گیری از نوع گلوله برفی بود. به این صورت که با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش در بخش معاونت متوسطه در گروه مجازی مشاوران مدارس عضو شده و برای انجام مصاحبه با پسران از مشاوران داوطلب خواسته شد دانش‌آموزانی که برای هدایت تحصیلی چند بار به آن‌ها مراجعه کرده‌اند و با چالش‌هایی برای هدایت تحصیلی مواجه بوده‌اند را برای مصاحبه معرفی کنند. مصاحبه با دانش‌آموزان دختر نیز، به صورت حضوری در مدرسه و با برخی دیگر بواسطه معرفی مشاوران به صورت تلفنی انجام گرفت. زمان مصاحبه‌ها ۲۰-۳۰ دقیقه به طول انجامید. انجام مصاحبه‌ها از تاریخ ۲۶ مرداد ۱۴۰۳ آغاز و در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۴۰۳ پایان یافت. انتخاب نمونه و انجام مصاحبه تا زمان اشباع نظری ادامه یافت.

در جدول ۱، به مشخصات نمونه مورد مطالعه اشاره شده است.

جدول ۱. مشخصات نمونه مورد مطالعه

ردیف	سمت	جنسیت	رشته تحصیلی
1	دانش‌آموز	زن	علوم تجربی
2	دانش‌آموز	زن	علوم انسانی

3	دانش آموز	زن	فنی و حرفه‌ای
4	دانش آموز	زن	علوم انسانی
5	دانش آموز	زن	ریاضی فیزیک
6	دانش آموز	زن	هنرستان
7	دانش آموز	زن	علوم تجربی
8	دانش آموز	زن	فنی و حرفه‌ای
9	دانش آموز	زن	علوم تجربی
10	دانش آموز	زن	علوم انسانی
11	دانش آموز	مرد	حسابداری
12	دانش آموز	مرد	علوم تجربی
13	دانش آموز	مرد	علوم انسانی
14	دانش آموز	مرد	علوم تجربی
15	دانش آموز	مرد	کار و دانش
16	دانش آموز	مرد	علوم تجربی
17	دانش آموز	مرد	علوم انسانی
18	دانش آموز	مرد	کار و دانش
19	دانش آموز	مرد	ریاضی
20	دانش آموز	مرد	علوم تجربی

در گام نخست؛ جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌های ضبط شده به منظور بررسی بیشتر رونویسی شدند. پس از مکتوب کردن داده‌ها و مطالعه مجدد آن‌ها، ایده‌های اولیه نوشته شد. در گام دوم، با تفکیک متن به اجزای کوچک‌تر و مشخص کردن قالب مضامین، کدگذاری اولیه صورت پذیرفت. گام سوم، با تطبیق دادن کدها با قالب مضامین آغاز شد و مضامین از بخش‌های کدگذاری شده استخراج شد. و در گام چهارم، شبکه مضامین با بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج، مرتب کردن مضامین، انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و تعیین مضامین فراگیر، شبکه مضامین ترسیم شد.

پایایی و روایی مصاحبه

در پژوهش کیفی برای دستیابی به روایی و پایایی از روش‌های مختلفی بهره برده می‌شود. محققان در این پژوهش مطابق با معیارهای فلیک (۱۳۸۸/۱۹۹۸) برای دستیابی به اعتبار پژوهش اقدامات ذیل را انجام دادند: ۱- نظارت متخصصان و مرور مطالعه خبرگان. ۲- توصیف ضخیم و غنی داده‌ها، کدبندی داده‌ها و تطابق مجدد با متن مصاحبه‌ها. ۳- تطابق کدبندی‌ها با متن مصاحبه‌ها و بررسی مجدد آن‌ها توسط مصاحبه‌شوندگان. همچنین برای حفظ اعتبار فرایند مصاحبه، سوالات مصاحبه یک روز قبل از شروع مصاحبه به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد تا زمان کافی برای فکر کردن در مورد سوالات مصاحبه را داشته باشند و از این طریق از درک و برقراری ارتباط آنان با سوالات مصاحبه اطمینان حاصل شود. برای افزایش باورپذیری نتایج، پژوهشگران سعی در تنوع و تکثر در انتخاب مشارکت‌کنندگان داشته‌اند تا نتایج حاصل از مصاحبه‌ها قابل اعتماد باشد. همچنین در فرایند انجام پژوهش، کدها و تفاسیر حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با برداشت‌های مشارکت‌کنندگان مقایسه شد و کدهای مستخرج از تحلیل دوباره در اختیار آنان قرار گرفت تا مجدداً ارزیابی شوند و احتمال سوء برداشت یا تحلیل نادرست کاهش یابد.

یافته‌های تحقیق

در استخراج یافته‌ها، با انجام کدگذاری، ۲۵ مضمون پایه، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر تعیین گردید. در قسمت یافته‌ها، نقل‌قول‌ها با شماره فرد مصاحبه‌شونده مشخص شده است. همچنین در پایان بخش، نمونه کدهای استخراج شده در قالب جدول ۲ آمده است.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون، مضامین کلیدی یا فراگیر شناسایی شده عبارت‌اند از:

بُعد درونی (سازمانی)، بُعد ساختاری-نهادی (بروکراسی ناکارآمد اداری آموزش و پرورش) و بُعد بیرونی (محیطی-زمینه‌ای). مضامین سازمان‌دهنده عبارتند از: پیشرفت صوری هدایت تحصیلی، نبود سیستم جامع دانش و اطلاع‌رسانی در هدایت تحصیلی، افزایش ثبات نام در مدارس خصوصی در اثر متوازن‌سازی رشته‌ها، رویکرد نخبه‌گرایانه نظام آموزشی به رشته علوم تجربی، طبقاتی شدن آموزش و تقلیل نابرابری اقتصادی - اجتماعی به استعداد فردی، تأثیر رانت‌های ارتباطی بر نابرابری در هدایت تحصیلی، ناتوانی آموزش و پرورش در مدیریت هدایت تحصیلی و سکان دادن به نهادهای بیرونی (نظام بازار، خانواده)، شکاف گسترده منزلت اجتماعی در رشته‌های تحصیلی، اهمیت جامعه به آینده شغلی رشته‌های تحصیلی.

۱. بُعد درونی (سازمانی)

مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با بُعد سازمانی (درونی) عبارتند از: پیشرفت صوری هدایت تحصیلی و نبود سیستم جامع دانش و اطلاع‌رسانی در مورد هدایت تحصیلی. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اجرای هدایت تحصیلی با تأکید بر آیین‌نامه‌ها و استفاده از ملاک‌های کمی مانند آزمون و نمره تحصیلی، منجر به رویه‌ای از پیشرفت صوری توأم با درگیری در مناسک اداری مرتبط با هدایت تحصیلی شده است.

یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «برای انجام آزمون‌های رغبت و استعداد و خودشناسی رو با عجله پر کردم، چون زمان کمی داشت و گرنه فرصت تمام می‌شد و سایت بسته می‌شد.» (مشارکت‌کننده شماره ۴). یکی دیگر از دانش‌آموزان عنوان کرد: «به نظرم باید ملاک رو خلاقیت و توانایی در نظر بگیریم. با نمره واقعاً توانایی به نفر رو نمی‌شه دقیق شناخت. مثلاً در نمرات درسی، اگر من نمره کمی کسب کنم به این معنا نیست که هیچی بلد نیستم.» (مشارکت‌کننده شماره ۱۹). مشارکت‌کنندگان معتقدند آنچه در هدایت تحصیلی دارای اهمیت است، انجام به موقع آزمون‌ها است. آن‌ها باور دارند در هدایت تحصیلی انجام این آزمون‌ها نه تنها نمی‌تواند معیاری بدون ایراد برای شناخت مهارت‌های مرتبط با رشته تحصیلی باشد، بلکه نشانه اهمیت و اولویت دادن به فرم‌های تحصیلی در ازای اهمیت کمتر به مهارت‌ها و استعدادهای واقعی آنان است. از این فرایند طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان می‌توان با عنوان اولویت آزمون‌ها یا «غلبه فرم بر محتوا» تحت عنوان پیشرفت صوری هدایت تحصیلی یاد کرد. به این معنا که ساختار آزمون در هدایت تحصیلی، فارغ از تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، تعیین‌کننده سرنوشت تحصیلی آن‌هاست

مضمون دیگر مستخرج از یافته‌ها؛ نبود سیستم جامع دانش و اطلاع‌رسانی در هدایت تحصیلی است. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، یکی از چالش‌های هدایت تحصیلی، عدم شکل‌گیری سیستمی جامع از دانش و اطلاع‌رسانی در این حوزه است. مشارکت‌کنندگان به مبهم بودن فرایندهای هدایت تحصیلی و عدم شناخت از رشته‌های تحصیلی اشاره کردند و عنوان کرده‌اند در سیستم آموزشی، ضعف دانش و اطلاعات ناقص در مورد هدایت تحصیلی را تجربه کرده‌اند. یکی از شرکت‌کنندگان عنوان کرد: «من شناختی از رشته‌های تحصیلی نتونستم به طور دقیق کسب کنم. به مشاور هم مراجعه کردم، اما اطلاعات چندانی بهم ندادند.» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

۲. بُعد ساختاری-نهادی (بروکراسی اداری ناکارآمد هدایت تحصیلی)

عوامل ساختاری-نهادی ناظر بر مضمون بروکراسی ناکارآمد هدایت تحصیلی، عبارتند از: افزایش ثبات نام در مدارس خصوصی (غیرانتفاعی) در اثر متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی، طبقاتی شدن آموزش و تقلیل نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی به استعداد

فردی، رویکرد نخبه‌گرایانه نظام آموزشی به رشته علوم تجربی، تأثیر رانته‌های ارتباطی بر نابرابری در هدایت تحصیلی، ناتوانی آموزش و پرورش در مدیریت هدایت تحصیلی و سکان دادن به نهادهای بیرونی (نظام بازار و نقش خانواده) می‌باشند. بنابر یافته‌های تحقیق، نقش عوامل ساختاری-نهادی بر انتخاب رشته دانش‌آموزان اثرگذار و از چالش‌های اصلی در مسیر هدایت تحصیلی می‌باشند.

- افزایش ثبت‌نام در مدارس خصوصی (غیرانتفاعی) در اثر متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی

از جمله اهداف هدایت تحصیلی نوین در نظام ۳-۳-۶، ایجاد توازن میان رشته‌های تحصیلی جهت جبران کمبود ظرفیت مدارس دولتی و همچنین ایجاد تعادل بین تقاضا برای رشته‌های تحصیلی به‌ویژه رشته علوم تجربی بود (آیین نامه هدایت تحصیلی، ۱۳۹۴). به همین جهت، آموزش و پرورش برای ثبت‌نام دانش‌آموزان، اقدام به تعیین ظرفیت ثبت‌نام در مدارس و گروه‌بندی دانش‌آموزان در اولویت‌های "الف تا د" با توجه به امتیازهای کسب شده نمود. این امر در عمل نه تنها باعث ایجاد توازنی میان رشته‌های تحصیلی نشد، بلکه منجر به افزایش گرایش دانش‌آموزانی که امتیاز "الف" را برای ثبت‌نام در مدارس دولتی نیاورند، به ثبت‌نام در مدارس خصوصی شد.

دانش‌آموز در همین زمینه می‌گوید: «من برای رشته تجربی اولویت "ب" رو کسب کردم، ولی باید منتظر می‌موندم تا گروه "الف" ثبت‌نام کنند، چون احتمال دادم که این زمان طولانی بشه و در نهایت نخواستم به رشته‌ای دیگه برم، تصمیم گرفتم در رشته مورد علاقه‌ام (رشته تجربی) در مدرسه غیرانتفاعی ثبت‌نام کنم.» (مشارکت‌کننده شماره ۷).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کند: «مشاور مدرسه ما در مورد فرم شماره ۷ که در اون دقیقاً این مورد قید شده است که تمام دانش‌آموزان دارای اولویت (الف تا ج) در صورت دارا بودن شرایط خاص مدارس غیردولتی می‌توانند بدون هیچ محدودیت زمانی نسبت به ثبت‌نام در زمینه و رشته مورد نظر خود اقدام نمایند) زمان انتخاب رشته به ما توضیح داد و گفت توی فرم شماره ۷ این گزینه رو هم براتون در نظر گرفتند.» (مشارکت‌کننده شماره ۱).

- رویکرد نخبه‌گرایانه نظام آموزشی به رشته علوم تجربی

افزایش و تراکم تقاضا در برخی از رشته‌های تحصیلی منجر به تصمیم متعادل‌سازی تقاضا در رشته‌های تحصیلی شد (آیین‌نامه هدایت تحصیلی، ۱۳۹۶). خواسته جامعه برای رشته تجربی و سودای درآمدزایی این رشته که دوگانه منزلت و ثروت را نسبت به دیگر رشته‌ها دارد، منجر به عدم تعادل در بین رشته‌ها و گرایش بالا به سمت رشته تجربی شده است. در نظام آموزشی نیز، این رویکرد تلاش برای ایجاد تعادل بین رشته‌ها با تأکید بر صرفاً توزیع افراد در رشته‌های مختلف انجام گرفت. این تلاش شامل افزایش ورود به هنرستان به شیوه‌های مختلف از برگزاری هفته مشاغل در هنرستان‌ها و بازدید دانش‌آموزان مناطق از هنرستان‌های منطقه تا افزایش ورود به هنرستان‌ها و فنی و حرفه‌ای با معدل پایین و نگه داشتن دانش‌آموزان با معدل بالا در رشته تجربی را شامل می‌شود. یکی از دانش‌آموزان در همین زمینه بیان می‌کند: «مشاور مدرسه در مورد همه رشته‌های تحصیلی به خصوص رشته‌های هنرستان جلسه برگزار می‌کرد و بچه‌ها رو تشویق می‌کرد که هنرستان برن. بهمون می‌گفت رشته‌های نظری مثل تجربی امکان موفقیت سخته، چون همه مُخان به اصطلاح، اما اگه بری مثلاً معماری یا چرم‌دوزی با دیپلم هم موفق می‌شی.» (مشارکت‌کننده شماره ۳).

از طرفی ایجاد تعادل در رشته‌ها، زمانی رویکرد نخبه‌گرایانه آموزش و پرورش به رشته تجربی را مشهود می‌کند که تلاش برای ورود سهل‌گیرانه به رشته انسانی و ریاضی در هدایت تحصیلی نیز رخ می‌دهد. این رویکرد علاوه بر کاهش ظرفیت در علوم تجربی و ایجاد تعادل میان دیگر رشته‌ها باعث می‌شود افرادی که غالباً ممتاز هستند در رشته علوم تجربی ثبت‌نام کنند.

در همین زمینه یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «من برای هیچ رشته‌ای نمره نیاوردم. شهریور به مدرسه مراجعه کردم، گفتند فرمی به نام فرم ۶ امضا برای مدیر میاد که بهم اجازه ثبت‌نام در کار و دانش رو میده. بعداً که به مدیر مراجعه کردم، گفتند که هم می‌تونم

کار و دانش برم و هم اجازه ثبت نام در رشته انسانی رو با تشخیص مدیر دارم و بهم گفتن اگر بخوام و توانایی مالی داشته باشم می تونم رشته ریاضی در غیرانتفاعی ثبت نام کنم.» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

– طبقاتی شدن آموزش و تقلیل نابرابری اجتماعی – اقتصادی به استعداد فردی

براساس یافته های تحقیق، از جمله مسائلی که مسیر هدایت تحصیلی را با چالش مواجه کرده است، طبقاتی شدن آموزش می باشد. طبق یافته های تحقیق، توان اقتصادی خانواده نه تنها نقش تعیین کننده ای در انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان دارد، بلکه در ادامه تحصیل آنان را نیز نقشی تعیین کننده دارد.

یکی از شرکت کنندگان می گوید: «من هزینه کلاس های خصوصی و مؤسسات کنکور رو نداشتم، برای همین با وجود علاقه و معدل بالا تصمیم گرفتم به هنرستان برم. در هنرستان هم رشته های گرافیک و معماری اونقدر هزینه بر بود که زمان ثبت نام به همه دانش آموزان اعلام کردند اگر می خواید کم تر هزینه کنید حسابداری یا کامپیوتر برید.» (مشارکت کننده شماره ۱۱).

این فرایند نشان می دهد نقش جایگاه اقتصادی، اجتماعی در مسیر تحصیلی دانش آموزان بیش از مهارت و استعداد آنان تعیین کننده است. در نظام هدایت تحصیلی، نابرابری های ساختاری به گونه ای پنهان به تفاوت های فردی و «استعداد» نسبت داده می شوند؛ امری که به زعم بورديو (۱۳۹۳/۱۹۹۴)، نوعی خشونت نمادین است که از طریق آن، سلسله مراتب تحصیلی بازتولید و توجیه می شود. در این چارچوب، سرمایه فرهنگی مسلط به عنوان معیار سنجش عمومی عرضه شده و شکست تحصیلی دانش آموزان فرودست به کمبود استعداد یا تلاش شخصی فروکاسته می شود. نظام آموزشی در سیاست هدایت تحصیلی نتوانسته به امر نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در جامعه که بر ادامه تحصیل و انتخاب رشته اثر گذارند توجه کند و صرفاً بر نقش تعیین کننده استعداد و تلاش افراد تکیه کرده است. این امر در بعد کلان می تواند گویای آموزشی طبقاتی باشد. آموزش طبقاتی، نه تنها منجر به هدر رفت استعداد و توانمندی دانش آموزان است، بلکه سلسله مراتبی را در انتخاب رشته های تحصیلی به وجود می آورد که طی آن دانش آموزان با پایگاه اقتصادی و اجتماعی ضعیف تر به رشته های تحصیلی ضعیف هدایت شوند. در همین زمینه دانش آموز بیان می کند: «من به گرافیک علاقه داشتم، اما واقعاً رشته پرخرجی به. مثلاً خرید یه مداد طراحی یا یه مقوا بالای ۳۰۰ تومن. برای رشته های دیگه هم مثلاً عکاسی نیاز به دوربین داشت یا برای رشته کامپیوتر باید سیستم می خریدم، برای همین کلاً بی خیال رشته های هنرستان شدم و رفتم کار و دانش.» (مشارکت کننده شماره ۱۵).

– تأثیر رانت های ارتباطی بر نابرابری در هدایت تحصیلی

بنابر یافته های تحقیق، یکی از چالش های هدایت تحصیلی در مدارس، برقراری روابط و وجود رانت های ارتباطی در سیستم آموزشی برای انتخاب رشته است. مشارکت کنندگان معتقدند فرایند انجام هدایت تحصیلی منجر به رایزنی و وجود رانت های ارتباطی برای انتخاب رشته دانش آموزان می شود. آن ها باور دارند این امر منجر به بروز نابرابری در هدایت تحصیلی شده است.

یکی از دانش آموزان می گوید: «من برای ثبت نام گروه “ب” بودم، باید منتظر می موندم تا گروه اول “الف” ثبت نام کنند. این بازه زمان معمولاً یک الی دو هفته یا بیشتر طول می کشید، اما تونستم از اداره نامه بیارم برا همین با گروه “الف” ثبت نام شدم و منتظر نموندم.» (مشارکت کننده شماره ۲).

یکی دیگر از دانش آموزان در همین زمینه عنوان کرد: «بعضی از دوستانم که امتیاز برای هدایت تحصیلی نداشتن در امتحان مجدد تعیین نمره شهریور ماه شرکت کردن و بعضی از اون ها به دنبال رایزنی در اداره یا ارتباط با مدیر بودن که با تشخیص مدیر در رشته های نظری مثل علوم انسانی ثبت نام کنن.» (مشارکت کننده شماره ۴).

– ناتوانی آموزش و پرورش در مدیریت هدایت تحصیلی و سکان دادن به نهادهای بیرونی

ناتوانی آموزش و پرورش در مدیریت و اثرگذاری بر فرایند هدایت تحصیلی به عنوان یکی از چالش‌هایی است که ناشی از تأثیر نهادهای بیرونی بر سیاست هدایت تحصیلی است. در این شرایط هدایت تحصیلی را صرفاً نمی‌توان امری درون‌سازمانی و مرتبط با نظام آموزشی دانست. نهادهایی همچون نظام بازار (مدارس خصوصی، مشاوران خصوصی) و نقش خانواده، می‌توانند مسیر هدایت تحصیلی را بیش از روند انتخاب رشته درون مدرسه و نظام آموزشی تغییر دهند.

- نظام بازار و سکان داری در هدایت تحصیلی

یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «من در مدرسه غیرانتفاعی ثبت‌نام می‌کنم، چون جمعیت کم‌تری دارند و امکانات بیشتری. کیفیت درسی هم به نظرم بهتره و نمرات خوبی هم می‌تونم داشته باشم.» (مشارکت‌کننده شماره ۱۶).

یکی از دانش‌آموزان در همین مورد بیان کرد: «من در مورد هدایت تحصیلی، برای اطلاعات بیشتر به یه مشاوره معتبر مراجعه کردم که به صورت خصوصی بهم مشاوره می‌داد. به مشاوره مدرسه هم مراجعه کردم اما بیشتر در حد همون پرکردن فرم‌ها و... با مدرسه ارتباط داشتم.» (مشارکت‌کننده شماره ۱۸). یافته‌ها نشان می‌دهند که در فرآیند هدایت تحصیلی، منطق بازار بر تصمیم‌گیری‌ها سایه افکنده است؛ دانش‌آموزان برای دستیابی به آموزش بهتر، کیفیت بالاتر و در نهایت موفقیت تحصیلی بیشتر، به نهادهای خصوصی نظیر مدارس غیرانتفاعی و مشاوران خصوصی روی می‌آورند. این امر را می‌توان با استناد به دیدگاه بوردیو (۱۳۹۳/۱۹۹۴) و مفهوم بازار آموزشی تبیین کرد. بوردیو معتقد است آموزش به عرصه‌ای بدل شده که در آن سرمایه اقتصادی و فرهنگی تعیین‌کننده‌ی دسترسی به فرصت‌هاست؛ در چنین ساختاری، افراد برخوردارتر می‌توانند از طریق خرید خدمات آموزشی برتر (مدرسه غیرانتفاعی، مشاوره خصوصی)، موقعیت برتر خود را بازتولید کنند. نظام هدایت تحصیلی، تحت تأثیر منطق بازار، به بستری برای بازتوزیع نابرابر منابع و سرمایه‌ها تبدیل شده است، جایی که انتخاب، دیگر یک فرآیند کاملاً آگاهانه یا عادلانه نیست، بلکه بازتابی از توان خرید، دسترسی و سرمایه فرهنگی خانواده‌هاست.

- نقش خانواده در هدایت تحصیلی

یافته‌ها همچنین بر نقش مسلط خانواده در فرآیند هدایت تحصیلی تأکید دارند. در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان تصمیم‌گیری نهایی را منوط به رضایت والدین می‌دانند. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان، رویکرد و نگرش والدین در انتخاب رشته تحصیلی آنان بیش از نگرش مشاور مدرسه اهمیت دارد. یکی از دانش‌آموزان در همین زمینه عنوان کرد: «من سعی می‌کنم رشته‌ای برم که مورد قبول خانواده‌ام باشه، چون به حمایت‌شون نیاز دارم و اگه رشته منو دوست نداشته باشند حمایت نمی‌کنند. برای همین بیشتر با خانواده مشورت کردم تا مشاور.» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

نقش خانواده در انتخاب رشته به حدی است که دانش‌آموزان از آن به عنوان تحمیل و یا اجبار سخن می‌گویند تا جایی که معتقدند اختیار، اراده و علاقه آنان در محیط خانواده نادیده گرفته می‌شود. این مسئله که یکی از چالش‌های هدایت تحصیلی از منظر دانش‌آموزان است، گاه مشاوران را نیز به رسیدگی و مواجهه با این مسئله فرا می‌خواند. یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «من به رشته انسانی علاقه داشتم، اما خانواده موافق نبودند و می‌گفتند باید به تجربی یا ریاضی برم. چندین بار به مشاور گفتم و با خانواده صحبت کرد اما فایده نداشت. به نظرم این یه تحمیل رشته‌ست نه انتخاب رشته.» (مشارکت‌کننده شماره ۴).

۳. بُعد بیرونی (عوامل محیطی و زمینه‌ای)

بنابر یافته‌های تحقیق، عوامل بیرونی (محیطی-زمینه‌ای) که ناظر بر شکاف گسترده بین منزلت اجتماعی رشته‌های تحصیلی و اهمیت آینده شغلی می‌باشند، از جمله چالش‌های سیاست هدایت تحصیلی هستند. عوامل بیرونی بر نگرش و جو اجتماعی حاکم بر هدایت تحصیلی اشاره دارد.

- شکاف گسترده بین منزلت اجتماعی رشته‌های تحصیلی

یافته‌ها نشان می‌دهند که انتخاب رشته تحصیلی صرفاً بر پایه علاقه یا استعداد انجام نمی‌گیرد، بلکه به شدت تحت تأثیر نگرش‌های اجتماعی و منزلت نمادین رشته‌ها در جامعه است. رشته‌هایی نظیر تجربی و ریاضی در جایگاه بالاتری قرار دارند، در حالی که رشته‌هایی مانند انسانی یا هنر از ارزش اجتماعی کمتری برخوردارند. شکاف گسترده بین منزلت اجتماعی رشته‌های تحصیلی در جامعه، از مواردی است که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کرده‌اند. شکاف منزلت بین رشته‌های تحصیلی ناشی از طرز فکر و اهمیت متفاوت رشته‌های تحصیلی در نزد اعضای یک جامعه است.

یکی از دانش‌آموزان در این زمینه می‌گوید: «به هنر هم علاقه‌مند بودم، اما چون هنر در جامعه ما ارزشی نداره انتخابش نکردم. به رشته انسانی هم علاقه داشتیم، ولی چون اطرافیان و دوستانم دیدگاه خوبی نداشتند دوست نداشتم دوستانم منو مورد قضاوت قرار بدن، برای همین رشته تجربی رو انتخاب کردم.» (مشارکت‌کننده شماره ۱). طبق یافته‌های تحقیق، رشته‌های تحصیلی از منزلت یکسانی برخوردار نیستند. در جامعه شکاف منزلت در بین رشته‌های تحصیلی به حدی است که انتخاب و تحصیل در رشته‌ای را معیاری برای موفقیت و یا شکست فرد و یا خانواده تلقی می‌کنند. در همین زمینه دانش‌آموز می‌گوید: «مادرم بیشتر وقت‌ها به من می‌گفت نمی‌تونم به اطرافیان یا فامیل بگم دخترم فلان رشته رفته، همه ازم می‌پرسن چرا این رشته رو انتخاب کرده.» (مشارکت‌کننده شماره ۱۸). این وضعیت در دیدگاه بولز و گینتیس در کتاب شانس‌های برابر (۲۰۰۵) و آثار پیشین آنان مشهود است که آموزش را نه ابزاری برای برابری اجتماعی، بلکه نهادی می‌دانند که نابرابری طبقاتی را بازتولید می‌کند. آنان با طرح مفهوم "هم‌ترازی ساختاری" معتقدند که ساختار مدرسه‌ها بازتابی از ساختار بازار کار است؛ به این معنا که افراد از خانواده‌های طبقه متوسط و بالا، به سمت رشته‌هایی هدایت می‌شوند که آینده شغلی و منزلت اجتماعی بالاتری دارند، در حالی که طبقات پایین‌تر اغلب در رشته‌هایی با امکان تحرک اجتماعی پایین‌تر متمرکز می‌شوند. در زمینه شکاف منزلت بین رشته‌های تحصیلی، این نظریه می‌گوید گرایش شدید به رشته‌هایی مانند تجربی یا ریاضی، که منزلت اجتماعی بالاتری دارند، نتیجه‌ی نوعی برندسازی آموزشی در دل ساختار طبقاتی جامعه است. این رشته‌ها هم‌ارز با شغل‌های پردرآمد و موقعیت‌های برتر اجتماعی تلقی می‌شوند و انتخاب آن‌ها در واقع تلاشی برای تثبیت یا ارتقاء موقعیت طبقاتی محسوب می‌شود.

- اهمیت جامعه به آینده شغلی رشته‌های تحصیلی

اهمیت آینده شغلی؛ از جمله مواردی است که مشارکت‌کنندگان در مورد انتخاب رشته تحصیلی به آن اشاره داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان معتقدند اهمیت بازار کار و آینده شغلی مهم‌ترین معیار در انتخاب رشته آنان است. این رویکرد که انتخاب رشته ارتباط مستقیمی با بازار کار دارد اگرچه درست است، اما آنچه این مسئله را به یک چالش تبدیل می‌کند اولویت دادن به بازار کار و آینده شغلی با وجود نادیده گرفتن استعداد و علاقه دانش‌آموز است.

یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «من ترجیح می‌دم رشته‌ای برم که آینده شغلی مطمئنی داشته باشه، چون بالاخره درآمد مهمه. به هنر علاقه دارم حتی در طراحی جایزه استانی گرفتم، اما چون بازار کار خوبی نداره نمی‌رم.» (مشارکت‌کننده شماره ۶).

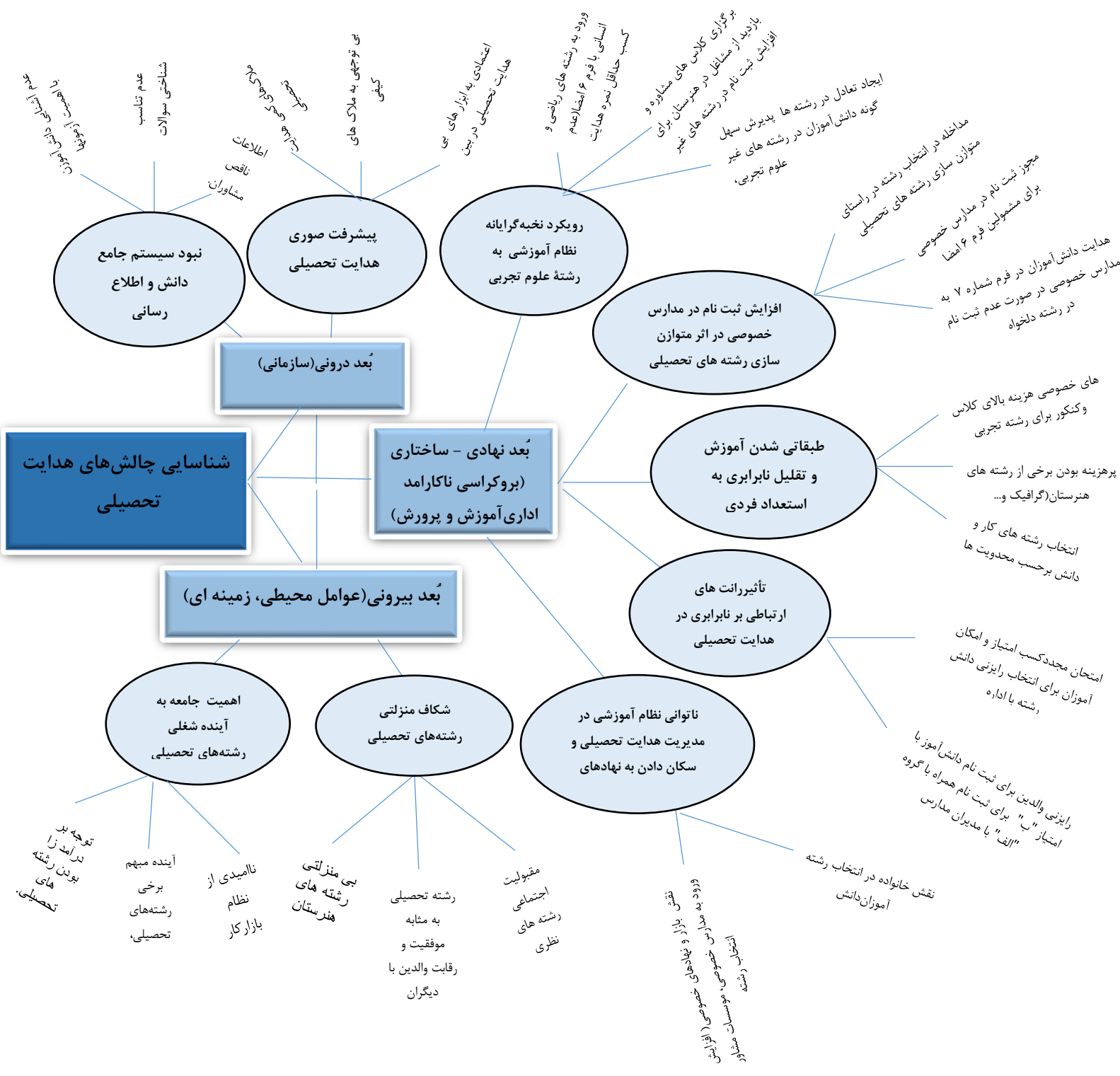
استخراج کدهای مربوط به هدایت تحصیلی

جدول ۲. نمونه‌هایی از استخراج مضامین پایه از کدهای اولیه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
ملاک‌های کمی هدایت تحصیلی بی‌توجهی به ملاک‌های کیفی بی‌اعتمادی به ابزارهای هدایت تحصیلی در بین دانش‌آموزان	پیشرفت صوری هدایت تحصیلی	بُعد درونی (سازمانی)

	نبود سیستم جامع دانش و اطلاع‌رسانی	عدم آشنایی دانش‌آموزان با اهمیت آزمون‌ها عدم تناسب شناختی سوالات آزمون با درک دانش‌آموزان اطلاعات ناقص مشاوران
بُعد ساختاری نهادی (بروکراسی ناکارآمد اداری آموزش و پرورش)	افزایش ثبت‌نام در مدارس خصوصی در اثر متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی	مداخله در انتخاب رشته در راستای متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی هدایت دانش‌آموزان در فرم شماره ۷ به مدارس خصوصی در صورت عدم ثبت‌نام در رشته دلخواه مجوز ثبت‌نام در مدارس خصوصی برای مشمولین فرم ۶ امضا
	رویکرد نخبه‌گرایانه نظام آموزشی به رشته علوم تجربی	ایجاد تعادل در رشته‌ها پذیرش سهل‌گونه دانش‌آموزان در رشته‌های غیر علوم تجربی برگزاری کلاس‌های مشاوره و بازدید از مشاغل در هنرستان برای افزایش ثبت‌نام در رشته‌های غیر نظری ورود به رشته‌های ریاضی و انسانی با فرم ۶ امضا (عدم کسب حداقل نمره هدایت تحصیلی) و عدم ثبت‌نام در رشته تجربی با داشتن همین فرم
	آموزش طبقاتی و تقلیل نابرابری به استعداد فردی	بالا بودن هزینه کلاس‌های خصوصی و کنکور برای رشته تجربی پرهزینه بودن برخی از رشته‌های هنرستان (گرافیک، معماری، عکاسی) انتخاب رشته‌های کار و دانش بر حسب محدودیت‌ها (محدودیت مالی برای انتخاب برخی رشته‌های هنرستان و هزینه کلاس‌های تقویتی رشته‌های نظری)
	تأثیر رانته‌های ارتباطی بر نابرابری در هدایت تحصیلی	امتحان مجدد کسب امتیاز و امکان رایزنی دانش‌آموزان برای انتخاب رشته با اداره رایزنی والدین برای ثبت‌نام دانش‌آموز با امتیاز «ب» برای ثبت‌نام همراه با گروه «الف» با مدیران مدارس
	ناتوانی نظام آموزشی در مدیریت هدایت تحصیلی و سکان دادن به نهادهای بیرونی	نقش بازار و نهادهای خصوصی (افزایش ورود به مدارس خصوصی) نقش مؤسسات مشاور در انتخاب رشته دانش‌آموزان نقش خانواده در انتخاب رشته دانش‌آموزان
بُعد بیرونی (عوامل محیطی، زمینه‌ای)	شکاف گسترده منزلت اجتماعی در رشته‌های تحصیلی	رشته تحصیلی به مثابه موفقیت و رقابت والدین با دیگران بی‌منزلی رشته‌های هنرستان مقبولیت اجتماعی رشته‌های نظری
	اهمیت جامعه به آینده شغلی رشته‌های تحصیلی	نامیدی از نظام بازار کار آینده مبهم برخی رشته‌های تحصیلی توجه بر درآمدزا بودن رشته‌های تحصیلی

شکل ۱. ترسیم شبکه مضامین



بحث و نتیجه گیری

مطابق با یافته‌های تحقیق، وضعیت کنونی هدایت تحصیلی نمایانگر پیشرفتی صوری در این برنامه در نظام آموزشی کشور است. این برنامه اگرچه در قالب دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها دارای ملاک‌ها و ابزارهایی نظیر آزمون‌ها برای اجراست، اما در بُعد عملیاتی با چالش‌هایی همچون محتوای ضعیف آزمون‌ها، کمی بودن ملاک‌ها و ابزارها، و بی‌اعتمادی دانش‌آموزان به این ملاک‌ها مواجه است. این وضعیت را می‌توان با تعبیر «غلبه فرم بر محتوا» در سیاست هدایت تحصیلی توصیف کرد؛ یافته‌ای که با نتایج تحقیق نویدی (۱۳۹۷) همسو است.

یافته دیگر این پژوهش به فقدان نظام جامع دانش و اطلاع‌رسانی درباره هدایت تحصیلی به‌عنوان یکی از ابعاد درونی سازمانی نظام آموزشی اشاره دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست هدایت تحصیلی از منظر دانش‌آموزان، نبود ساختاری منسجم و هدفمند برای اطلاع‌رسانی است. نظام اطلاع‌رسانی موجود، به‌جای آن‌که به‌طور یکپارچه و هماهنگ عمل کند، پراکنده، ناقص و ناهماهنگ شکل گرفته است. دانش‌آموزان که گروه هدف خدمات مشاوره‌ای محسوب می‌شوند، به مسئولیت‌های چندگانه مشاوران و نیز کمبود اطلاعات مشاوران در فرآیند هدایت تحصیلی اشاره کرده‌اند. این ضعف‌ها منجر به نارسایی در شناخت استعدادها و مهارت‌های دانش‌آموزان، که از اهداف اصلی هدایت تحصیلی است، شده است. این یافته با نتایج پژوهش شهسواری و همکاران (۱۴۰۲)، و موسوی و همکاران (۱۳۹۹) درباره اهمیت شناخت جامع استعداد و اطلاع‌رسانی مؤثر در فرآیند هدایت تحصیلی هم‌راستا می‌باشد.

در بُعد ساختاری و نهادی، پژوهش نشان‌دهنده ناکارآمدی بوروکراسی اداری و تأثیر متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی بر افزایش ثبت‌نام در مدارس خصوصی است. هدف اصلی این سیاست در نظام ۳-۳-۶، متوازن‌سازی تقاضا بین رشته‌های تحصیلی و کاهش تمرکز بر رشته‌های نظری به‌ویژه تجربی بوده است؛ اما در اجرا، با استفاده از ظرفیت مدارس خصوصی به دلیل محدودیت‌های مدارس دولتی، شاهد دور شدن سیاست از اهداف اولیه آن هستیم. این اقدام، که در فرآیندهای نظیر اولویت‌بندی بر اساس فرم‌های امتیازدهی و اجازه ثبت‌نام در مدارس غیرانتفاعی نمود دارد، منجر به طبقاتی شدن آموزش و بی‌توجهی به استعداد و علایق دانش‌آموزان شده است. در این شرایط، هدف هدایت تحصیلی به‌جای توجه به مهارت و علاقه دانش‌آموز، صرفاً پاسخ به کمبود ظرفیت مدارس و توزیع کمی دانش‌آموزان در رشته‌ها قرار گرفته است. این یافته با نتایج پژوهش‌های رضوی‌زاده و ورشوی (۱۴۰۱) و اقبالی (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد.

همچنین، یافته دیگر پژوهش نشان‌دهنده ناتوانی آموزش و پرورش در مدیریت کامل هدایت تحصیلی و واگذاری ضمنی آن به نهادهای بیرونی است. فشار نهاد بازار (مدارس خصوصی، مؤسسات مشاوره‌ای و کنشگری خانواده‌ها) بیش از آموزش و پرورش، کنترل این فرآیند را در اختیار گرفته‌اند. این یافته گویای آن است که هدایت تحصیلی تنها وابسته به عوامل درون‌سازمانی نیست، بلکه تحت تأثیر مستقیم عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه قرار دارد. عواملی چون منزلت اجتماعی برخی رشته‌ها، تصور عمومی از آینده شغلی آن‌ها، و انتظارات خانواده‌ها از فرزندان، نقش مهمی در جهت‌دهی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. این یافته با نتایج تحقیقات طهماسب‌زاده شیخ‌لار (۱۴۰۱)، سالاری و همکاران (۱۴۰۱) و رضایی مدنی و همکاران (۱۳۹۸) همسو بوده ولی با نتایج پژوهش شریفی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان نیست.

در نتیجه، چالش‌های پیش‌روی هدایت تحصیلی کارآمد، علاوه بر عوامل درون‌سازمانی، بیش از همه تحت تأثیر عوامل محیطی و زمینه‌ای خارج از نظام آموزشی قرار دارند. اگرچه سیاست‌گذاری در حوزه هدایت تحصیلی می‌تواند در بلندمدت به تعادل در انتخاب رشته منجر شود، اما تحقق این امر مستلزم بازنگری جدی در سیاست‌ها و شیوه‌های اجراست. هدایت تحصیلی صرفاً ارائه پی‌درپی معیارها و آیین‌نامه‌ها نیست، بلکه نیازمند نگاهی جامع به مهارت‌ها، استعدادها و فرهنگ حاکم بر جامعه است. تأکید صرف بر متوازن‌سازی رشته‌های تحصیلی، بدون در نظر گرفتن شکاف‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی میان رشته‌ها، منجر به عدم توجه به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان و تأثیر آن در نادیده گرفتن استعداد و علایق دانش‌آموزان شده است. از این منظر

و در رویکرد بورديو، در ارتباط با سياست هدايت تحصيلي، بازتوليدکننده نابرابري‌هاي اجتماعي است؛ اما اين بازتوليد نه به صورت آشکار، بلکه از طريق تقليل نابرابري‌ها به ويژگي‌هاي فردي مانند استعداد و تلاش صورت مي‌گيرد. در اين فرايند، ساختارهاي اجتماعي و فرهنگي پيچيده‌اي که زمينه‌ساز نابرابري‌ها هستند، پنهان مي‌شوند و موفقيت يا شکست در نظام آموزشي به‌عنوان نتيجه‌اي صرفاً ناشي از شايستگي‌هاي فردي مطرح مي‌گردد. اين رويکرد باعث مي‌شود که آموزش طبقاتي به چشم عدالت و شايسته‌سالاري ديده شود، در حالي که واقعيّت آن است که فرصت‌ها و منابع آموزشي به طور نابرابر ميان گروه‌هاي اجتماعي توزيع شده‌اند. و نظام آموزشي با نادیده گرفتن تأثيرات ساختاري و تاکيد بر تلاش و استعداد فردي، نابرابري‌ها را مشروعيت مي‌بخشد و فرايند طبقاتي شدن را تشديد مي‌کند. جايي که اولويت‌بندي‌ها و سياست‌ها بيشتر بر توزيع کمي دانش‌آموزان و ظرفيت مدارس تمرکز دارد و کمتر به شرايط اجتماعي-اقتصادي و فرهنگي دانش‌آموزان توجه مي‌شود، در نتيجه استعدادها و علايق آنان مورد غفلت قرار مي‌گيرد. در نهايت، چنين رويکردي نه تنها عدالت آموزشي را تضعيف مي‌کند، بلکه باعث اتلاف سرمايه‌هاي انساني و اجتماعي کشور مي‌شود. مسئله‌اي که با نتيجه نظري‌نيا و همکاران (۱۴۰۱) نيز همخواني دارد و نشان مي‌دهد شرايط موجود باعث شکل‌گيري نسلي شده است که علايق و توانايي‌هاي‌شان مورد غفلت قرار گرفته، و اين امر در تضاد با اهداف اوليه هدايت تحصيلي بوده و به اتلاف سرمايه‌هاي انساني، اجتماعي و فرهنگي منجر مي‌شود.

بنابراين، هدايت تحصيلي نيازمنند طراحي و اجراي سياستي نوين و کارآمد است که آن را فراتر از مسئله‌اي درون‌سازماني ديده، و در پيوندی واقعي با بسترهاي فرهنگي، اجتماعي و نابرابري‌هاي موجود در جامعه تنظيم کند. اگرچه آموزش و پرورش تحت تأثير تصميمات سياسي قرار دارد، اما سياست‌گذاري مؤثر زماني تحقق خواهد يافت که شناخت دقيق و همه‌جانبه‌اي از جامعه هدف، نيازها، شرايط اجتماعي و فرهنگي آنان در فرايند برنامه‌ريزي لحاظ شود تا کارآمدی اين سياست‌ها در عمل نيز قابل مشاهده باشد.

پيشنهادهات پژوهشي

به منظور ارتقاي كيفيت هدايت تحصيلي و اتخاذ تصميمات آگاهانه‌تر، پيشنهادهات مي‌شود:

- اطلاع‌رساني جامع: پيشنهادهات مي‌شود ميزان تأثير برنامه‌هاي اطلاع‌رساني جامع و يکپارچه، که اطلاعات دقيقی در مورد رشته‌هاي تحصيلي، فرصت‌هاي شغلي و مهارت‌هاي مورد نياز هر رشته در اختيار دانش‌آموزان و خانواده‌ها قرار مي‌دهند، بر فرايند انتخاب رشته مورد ارزيابي قرار گيرد.
- نقش مدارس غيرانتفاعي: شايسته است پژوهشگران به تحليل اين موضوع بپردازند که مدارس غيرانتفاعي با ارائه امکانات و خدمات ويژه، چگونه مي‌توانند به تشديد نابرابري‌هاي آموزشي دامن بزنند و چه تأثيري بر هدايت تحصيلي دانش‌آموزان داشته باشند.
- مدل هدايت استعدادمحور: پيشنهادهات مي‌شود پژوهشگران مدلي جامع و نوين براي هدايت تحصيلي طراحي و ارزيابي کنند که به جاي تمرکز صرف بر ظرفيت‌هاي موجود، بر شناسايي و پرورش استعدادها و علايق دانش‌آموزان تاکيد داشته باشد.
- الگوبرداری از کشورهای موفق: از محققان گرامی دعوت می‌شود تا با تحليل سياست‌هاي هدايت تحصيلي کشورهای پيشرو، پيشنهادهاتي براي بهبود سياست‌هاي موجود در ايران ارائه دهند.

پيشنهادهات کاربردي

به منظور عملياتي‌سازي یافته‌هاي پژوهشي و بهبود مستقيم فرايند هدايت تحصيلي، پيشنهادهات مي‌شود:

- برنامه‌هاي استعداديابي: ايجاد برنامه‌هاي جامع استعداديابي در مدارس به منظور شناسايي استعدادها و مهارت‌هاي دانش‌آموزان از طريق آزمون‌ها و پرسشنامه‌هاي دقيق.

- آموزش خانواده‌ها: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌هایی برای خانواده‌ها با هدف آشناسازی آن‌ها با اهمیت هدایت تحصیلی و تشویق به در نظر گرفتن استعداد و علاقه فرزندان در انتخاب رشته.
- مشاوره تحصیلی قوی: افزایش تعداد مشاوران تحصیلی در مدارس و تجهیز آن‌ها به روش‌های نوین مشاوره و ابزارهای جدید برای کمک به دانش‌آموزان در انتخاب رشته‌ای متناسب با استعداد و علاقه‌شان.
- کارگاه‌های معرفی رشته‌ها: برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهایی با حضور افراد موفق در رشته‌های مختلف به منظور آشناسازی دانش‌آموزان با ظرفیت‌ها و آینده شغلی رشته‌های گوناگون.
- ارتباط با بازار کار: ایجاد ارتباطات قوی بین مدارس و صنایع و بازار کار به منظور آشناسازی دانش‌آموزان با نیازهای واقعی بازار کار و فرصت‌های شغلی مرتبط با رشته‌های مختلف.
- سیاست‌گذاری مبتنی بر استعداد: تدوین سیاست‌های آموزشی به گونه‌ای که به استعداد و علاقه دانش‌آموزان توجه شود و انتخاب رشته‌ها بر اساس نیازهای جامعه صورت گیرد.
- تحقیق و توسعه: ایجاد و تأسیس مراکز تحقیقاتی با هدف انجام پژوهش‌های مستمر در زمینه هدایت تحصیلی و ارائه نتایج به سیاست‌گذاران برای بهبود فرآیند هدایت تحصیلی.

- احمدی، سعید. (۱۳۹۴، دی ۱۵) بررسی رابطه بین هدایت تحصیلی نادرست و آفت تحصیلی دانش‌آموزان [مقاله ارائه شده در کنفرانس]. سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران، ایران. <https://civilica.com/doc/453045>
- اقبال، لیلا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی فرآیند هدایت تحصیلی در مدارس و ارائه راهکارهای اصلاحی [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران]. ایرانداک.
- بورديو، پير. (۱۳۹۳). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی (ترجمه مرتضی مردیها). نقش‌نگار. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۴ منتشر شده است).
- حیدری، علیرضا. (۱۳۹۶). معضل دولت‌سازی و سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در ایران پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۵(۴)، ۸۶-۶۵. <http://qjoe.ir/article-1-2089-fa.html>
- خادم شیرازی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر ویژگی‌های کارآفرینی مدیران، در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دختر به رشته‌های فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی دبیرستان‌های دخترانه تهران). [مقاله ارائه شده در کنفرانس]. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین، ایران. <https://civilica.com/doc/815077>
- رضایی مدنی، مرتضی، کلانتر هرمزی، آتوسا، و نعیمی، ابراهیم. (۱۳۹۸). بررسی فرآیند هدایت تحصیلی نوین از منظر مشاوران مدارس. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰(۳۹)، ۲۷-۴۸. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2019.40632.2098>
- رضوی زاده، ندا، ورشوی، سمیه. (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۱(۳)، ۴۰۵-۴۳۵. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2423494.1401.11.3.14.0>
- زندوانیان نائینی، احمد. (۱۳۸۵). مقایسه تطبیقی عملکرد تحصیلی فارغ‌التحصیلان نظام جدید آموزشی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سالاری، یحیی، اسلام پناه، مریم، لایی، سوسن، و موسوی، فرانک. (۱۴۰۱). مدل‌یابی عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۱۳(۱)، ۲۹-۴۴. <https://doi.org/10.22118/edc.2022.352060.2127>
- شریفی، بهمن، نیاز آذری، کیومرث، و جباری، نگین. (۱۳۹۸). ارائه مدلی برای دستیابی به هدایت تحصیلی کارآمد دانش‌آموزان در نظام آموزشی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱(۱)، ۱۳۵-۱۶۰. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22285318.1399.10.3.3.8>
- شهسواری، مجید، مصرآبادی، جواد، حبیبی کلیدر، رامین، و فرید، ابوالفضل. (۱۴۰۲). بازنمایی فرایند سنجش استعداد در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان؛ یک مطالعه کیفی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۲۳(۹۰)، ۱۴۹-۱۷۷. <https://doi.org/10.22034/jei.2024.380192.2545>

طهماسب زاده شیخدار، داوود، جعفری، الهه، و میرعرب رضی، رضا. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت مولفه طرح هدایت تحصیلی نوین براساس مدل کانو. *فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۱۱(۳)، ۳۵۸-۳۰۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2423494.1401.11.3.11.7>

عاشوری، مجتبی، محبی، مینا، فتحی آذر، اسکندر، و ادیب، یوسف. (۱۴۰۱). واکوی تجاربدانش آموزان پایه نهم از فرایند انتخاب رشته تحصیلی. *فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۱۱(۴)، ۵۲۳-۴۹۵.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2423494.1401.11.4.20.8>

فلیک، اووه. (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی (ترجمه هادی جلیلی). نشر نی. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۸ منتشر شده است).

کوثری، محمد. (۱۳۹۵). *ارزشیابی ملاک ها و فرایندهای انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه* [پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران]. ایرانداک.

منبری، محبت، پوشنه، کامبیز، و خسروبابادی، علی اکبر. (۱۴۰۱). شناسایی عوامل موثر بر نظام هدایت تحصیلی دانش آموزان جهت ارائه الگوی راهبردی. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱۶(۴)، ۱۲۲-۱۴۶.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.27171329.1401.16.4.5.3>

موسوی، علی، پیرانی، عارف، و مومنی، حسن. (۱۳۹۹). آسیب شناسی فرایند هدایت تحصیلی دانش آموزان پایه نهم استان ایلام.

فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۹(۳)، ۱۲۲-۱۴۴. <https://doi.org/10.22034/jei.2020.114617>

نظری نیا، مرضیه، صفرنواده، مریم، شفیعی، ناهید، و اسمعیل زاده، زهره. (۱۴۰۱). وضعیت هدایت تحصیلی دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش تهران. *نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۴)، ۳۶۰-۳۲۳.

https://www.islamiilife.com/article_185712.html

ناصری، فیض الله، اسلام پناه، مریم، موسوی، فرانک، و کاویان، الهام. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر توانمندسازی و افزایش آگاهی معلمان، والدین و دانش آموزان بر فرایند هدایت تحصیلی. *دو فصلنامه مطالعات روان شناختی نوجوان و جوان*، ۳(۶)، ۴۳۰-۴۴۰.

<https://doi.org/10.30495/jedu.2023.27191.5432>

نویدی، احد. (۱۳۹۷). هدایت تحصیلی در نظام آموزشی ایران، تجربیات عملی و چالش های پایدار. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۴(۱)، ۳۴-۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4>

وجدانی همت، مهدی، کلانتر هرمزی، آتوسا، سلیمی بجزستانی، حسین، و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی هدایت تحصیلی دانش آموزان براساس تجربه زیسته مشاوران مدرسه. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۱۱(۴۲)، ۳۵-۱.

<https://doi.org/10.22054/jem.2021.58045.2128>

شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. وزارت آموزش و پرورش. <https://sanadtahavol.ir>

آیین نامه هدایت تحصیلی دانش آموزان دوره اول متوسطه، مصوبه نهد و بیست و هفتمین (۹۲۷) جلسه شورای عالی آموزش و

پرورش (۱۳۹۴). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/968142>

Adu, G. A. (2022). The role of counselling services and its importance in educational institutions.

International Journal of Multidisciplinary Research and Development, 9(6), 541–557.

<https://www.jetir.org/view?paper=JETIR2206666>

- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Aslan, S. (2011). Primary education class guidance program on primary education career development in 6th, 7th, and 8th grades. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30(4), 1782-1787. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.343>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Bowles, S., Gintis, H., & Groves, M. (2005). *Unequal chances: Family background and economic success*. Princeton University Press.
- Carvalho, C., Martines, D., Santana, L., & Feliciano, L. (2014). Teacher feedback: Educational guidance in different school contexts. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 159, 219-223. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.360>
- Dhami, M., & Sharma, S. (2020). Assessment of adolescents' perception of sources of guidance. *The Pharma Innovation Journal*, 9(7), 139-144. <https://doi.org/10.22271/tpi.2020.v9.i7a.4992>
- Ghosh, S. (2021). An introduction on educational guidance. *Galaxy International Interdisciplinary Research Journal*, 9(11), 133-139. <https://doi.org/10.22271/giirj.2021.v9.i11a.462>
- Mtemeri, J. (2017). *Factors influencing the choice of career pathways among high school students in Midlands Province, Zimbabwe* [Doctoral dissertation, University of South Africa]. <http://hdl.handle.net/10500/23174>
- Pareek, K. (2021). A study on the importance of educational guidance for disabled children. *International Journal of Multidisciplinary Educational Research*, 10(1), 84-89. [https://ijmer.in/issues/volume10/volume10-issue1\(7\).aspx](https://ijmer.in/issues/volume10/volume10-issue1(7).aspx)
- Romito, M. (2019). Governing through guidance: An analysis of educational guidance practices in an Italian lower secondary school. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 38(6), 773-788. <https://doi.org/10.1080/01596306.2017.1314251>
- Subasinghe, W. (2016). An introduction on educational guidance and school counseling. *International Journal of Scientific Research and Innovative Technology*, 3(10), 11-18.

https://www.researchgate.net/publication/310384525_An_Introduction_on_Educational_Guidance_and_school_Counseling

Tolanovich, E. S. (2021). Vocational guidance in general secondary schools. *Annals of the Romanian Society for Cell Biology*, 25(2), 460–466.
<http://annalsofrscb.ro/index.php/journal/article/view/971>

Wang, N., Hong, J., Wan, L., Zeng, L., & Wang, L. (2024). What do they need? The academic counseling needs of students majoring in art and design in a higher vocational college in China. *Heliyon*, 10(6), Article e27708. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e27708>